

English	فارسی
beach	ساحل
market	بازار
quiet	ساکت/ آرام
busy	شلوغ
Crowded	شلوغ/ پر جمعیت
A dangerous city	یک شهر خطرناک
A safe city	یک شهر امن
Farmers grow fruits and crops	کشاورزان میوه و محصولات را پرورش می دهند.
Go fishing	ماهیگیری رفتن
There`s a lot of wind in summer, fall, and winter	در تابستان، پاییز و زمستان باد زیادی میوزد.
It`s very cold from Aban to Farvardin.	از آبان تا فروردین خیلی سرد است.
It sounds to be a very interesting place.	به نظر می آید جای خیلی جالبی باشد.

same	یکسان
different	متفاوت
Can you give me some examples?	میتوانید چند مثال برایم بزنید؟

